

تجدید نظر در مجازات

مجری طرح: مرکز آموزشی و پژوهشی
مدیر علمی طرح: محمدرضا گودرزی

واژه‌های کلیدی

زندان، مجرم، زندان‌زدایی، جایگزین‌های مجازات حبس

حکیده

روش تحقیق

- جامعه و نمونه آماری: در این تحقیق جامعه‌ی موردنظر عبارتند از کلیه‌ی قضات استان تهران و از بین این قضات به روش نمونه‌گیری تصادفی، تعداد نفر به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده‌اند.

- ابزار جمع‌آوری اطلاعات: بررسی و مطالعه کتاب‌ها و تحقیق‌های انجام‌شده درباره‌ی موضوع تحقیق، همچنین در نظر گرفتن پرسشنامه محقق‌ساخته

- روش تجزیه و تحلیل: برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش اسنادی به خصوص تحلیل محتوی استفاده شده است.

مقدمه

گفته‌اند زندان عمری به درازای عمر بشر دارد، ولی بی‌گمان تاریخ تولد زندان با رویکرد کیفری به دوست و اندی سال بیشتر نمی‌رسد، توضیح آن که تا پیش از تحولات بزرگ اجتماعی و انقلاب‌های بزرگ در مغرب زمین به ویژه انقلاب‌هایی چون انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب آمریکا زندان در دنیای باستان و قرون وسطی نقش تنبیهی نداشت و بیشتر برای نگهداری متهمان و یا محکومان در انتظار اجرای حکم به کار گرفته می‌شد. بدین ترتیب و از آنجا که در آن دوران برای بشر آزادی ارزش مهمی به‌شمار نمی‌آمد. از این حیث سلب آن نیز چندان کیفر پراهمیت

مجازات زندان به مثابه واکنش جامعه در مقابل پدیده‌ی جرم از دیرباز مورد توجه جوامع بشری بوده است و در حقیقت عمری به درازای عمر بشر دارد، اما، اجرای آن با ناپسامانی‌ها و مفساد بسیاری مواجه شده و تبعات بسیاری را در کشورهای مختلف به دنبال داشته است، به طوری که امروزه سیاست کیفری اغلب کشورهای دنیا در جهت حذف مجازات حبس و در نظر گرفتن جایگزین مناسب برای آن می‌باشد. سیاست کیفری دستگاه قضایی به ویژه در چند سال اخیر در همین راستا می‌باشد که منجر به اقدامات گوناگونی از جمله خصوصی‌سازی زندان شده است، طرح حاضر گامی در همین جهت محسوب می‌شود که حاصل آن تهیه‌ی پیش‌نویس یک لایحه قانونی زندان‌زدایی و ارایه‌ی آن به ریاست محترم قوه قضاییه برای تصویب می‌باشد.

۶. غیرقابل جبران بودن حکم‌های اشتباهی
۷. تعارض زندان با اصل شخصی بودن کیفرها به ویژه آنکه بر خانواده و نزدیکان فرد نیز آثار سوء مستقیم دارد.
۸. ضعف امکانات زندان‌ها و کمبود منابع مالی و بهداشتی و نیروی انسانی کارآمد
۹. نبودن امکانات لازم برای بازپروری و مداوای معتادان و حتی تفکیک نکردن آنان
۱۰. کافی نبودن شمار زندان‌ها و فضای سرانه‌ی لازم و موردنیاز

۱۱. طرد اجتماعی و بیکاری محکومان آزادشده

بدین علت و با توجه به نارسایی‌های عنوان‌شده، سیاست‌گذاران جنایی در پی کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها، تنوع‌بخشی به پاسخ‌های کیفری نسبت به بزه به ویژه با استفاده از مجازات‌های بینابین و راهبرد زندان‌زدایی‌اند.

ضرورت و نارسایی‌هایی که به طور کلی برشمرده شد گریبانگیر نظام زندانبانی ما و شیوه‌های اعمال و اجرای کیفر در ایران نیز می‌شود. در این نوشتار زندان‌زدایی و آرایه‌ی راهکارهایی در جهت کاهش آمار ورودی از منظر دو اقدام مهم و اساسی صورت می‌گیرد، یکی کاهش ورودی‌ها به زندان که بیشتر مربوط به دستگاه قضایی و ایجاد تحول در شیوه‌های قضاوت و نگرش دادرسان به مجازات‌هاست و دیگر افزایش میزان خروجی از زندان که بی‌گمان بخش اعظم آن در اختیار سازمان زندان‌ها و شیوه‌های اجرای کیفر حبس است. در این نوشتار و به منظور تحقق این دو هدف زندان‌زدایی از رهگذار چهار تدبیر و اقدام عمده مورد بررسی قرار گرفته است که در صورت تحقق این راهکارها که حاوی یک برنامه‌ی نظام‌مند و منسجم برای زندان‌زدایی است می‌توان امیدوار بود که در یکی دو سال آینده اتخاذ این تدابیر کاهش محسوسی در جمعیت کیفری زندان‌ها به وجود آورند. این تدابیر به شرح تدابیر قانونگذارانه، تدابیر قضایی و اصلاح رویه قضایی، تدابیر اجرایی و درون‌سازمانی و سرانجام تدابیر و اقدام‌های آموزشی می‌توان برشمرد که در این نوشتار به آن‌ها پرداخته می‌شود.

بخش نخست

عملیات‌سازی ظرفیت‌ها به منظور زندان‌زدایی

۱. توسل به مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس کیفرهایی هستند که به جای زندان توسط دادرس مورد حکم قرار می‌گیرند و به این ترتیب جایگزین زندان شده، مانع ورود افراد به ندامتگاه‌ها می‌شوند. وانگهی از حیث قانونگذاری و قانون‌نویسی، اجرا و مدیریت، شیوه‌های اجرا، آموزش‌های نیروهای مجری حکم و به ویژه

و بازدارنده‌ای نبود. وانگهی با وقوع انقلاب استقلال آمریکا در سال (۱۷۷۶) و تاسیس نخستین جامعه‌ی مردم سالار و مبتنی بر اصول آزادی و کرامت بشری بی‌گمان آمریکاییان دیگر نمی‌توانستند مجازات‌های بدنی بی‌رحمانه و یا کیفر مرگ را اعمال کنند. جمهوری خواهان آمریکایی می‌گفتند که: «مجازات‌های بدنی و اعدام فرزند نامشروع حکومت‌های سلطنتی است» بدین ترتیب آنان برای امنیت‌بخشی به جامعه یکسره به سراغ کیفر سلب آزادی رفتند و از آنجا که جامعه‌ی تازه‌تاسیس آمریکا بیشترین آزادی را به بشر می‌بخشید بدین لحاظ سلب آزادی نیز کیفر بسیار سنگینی به شمار می‌آمد و بدین ترتیب کیفر حبس رفته‌رفته در آمریکا رواج یافته، از آنجا مورد تقلید و اقتباس کشورهای اروپایی از جمله قانون‌گذار انقلابی فرانسه و دیگر کشورها قرار گرفت و رفته‌رفته نظام‌های کیفری دنیای معاصر شد. وانگهی اجرا و مدیریت کیفر حبس خود در دو قرن اخیر قراز و فرودهای بی‌شماری را پشت سر گذاشته است. طرفداران حبس ابتدا به سراغ نظام‌های حبس انفرادی چون نظام ابرنی و پنسیلوانیایی رفتند و پس از آن و اثبات ناکارآمدی این دو رژیم نظام‌های دیگر چون نظام ایرلندی یا رژیم ترقی تدریجی، رژیم حبس اصلاحی - درمانی و رژیم‌های حبس معین و نامعین اعمال شد و مدت‌ها این شیوه‌ها به صورت آزمایش و خطا به وسیله‌ی سیاست‌گذاران جنایی کشورها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. با این همه آنچه که در این اواخر خود می‌نمایند ناکارآمدی همه‌ی رژیم‌های زندانبانی تجربه‌شده و ضرورت فرار از نهاد زندان یا نهادزدایی و یا به دیگر سخن (زندان‌زدایی) است.

بحث و نتیجه‌گیری

واژه‌ی زندان‌زدایی یا نهادزدایی که برابر با نهادهای لاتینی چون *deinstitutionalization* و *deincarceration* در اداره‌ی زندان‌ها مواجه شدند که از آن جمله به موارد زیر می‌توان اشاره کرد.

۱. زندان افزون بر آنکه زندانی را از کار باز می‌دارد حتی موجب تحمیل هزینه‌های گزاف بر دولت می‌شود.

۲. مشکلات اداری و فنی در امر محافظت و به ویژه محافظت از زندانیان محکوم به حبس‌های بلندمدت

۳. مساله‌ی ازدیاد جرایم و تکرار جرم، بدین معنی که در برآوردن هدف پیشگیری دومین ناکارآمدی است.

۴. نابودی حس مسئولیت‌پذیری افراد زندانی و ایجاد حس حقارت در زندانی و برانگیختن حس دشمنی با جامعه و حاکمیت در آنان

۵. پایین آمدن و افت سطح بهداشت و اخلاق، به طوری که در بسیاری از زندان‌های دنیا، همجنس‌بازی و پیامدهای ناشی از

دادرسان و سرانجام مسایل حقوق بشری، توسل به جایگزین‌ها با مشکلات بی‌شماری مواجه‌اند که باید در پی رفع این موانع به‌ویژه موانع حقوقی - قانونی، موانع اجرایی و موانع آموزشی بود. از دیدگاه حقوقی متأسفانه هنوز در کشور ما به طور مشخص این جایگزین‌ها جنبه‌ی تقنینی نیافته‌اند و ناگزیر دادرسان در مقام صدور حکم تنها، چاره‌ی امنیت به جامعه را در حبس می‌بینند. وانگهی این امر، نافی آن نیست که از قوانین موجود به‌ویژه مواد ۱۷، ۲۲ و ۷۲۸ ق.م.ا برای توسل به جایگزین‌های حبس استفاده کنند به ویژه آن که ماده ۱۷ این قانون گونه‌های مجازات بازدارنده را به صورت تمثیلی - و نه حصری بر می‌شمارد و دادرسان به سادگی می‌توانند با تفسیری منطقی و فایده‌گرایانه از این مواد رویه قضایی را متحول سازند.

بدین ترتیب با استفاده از این ماده می‌توان از توسل یگانه راه‌حل حبس عدول کرد و با تبدیل حبس به مجازات‌های تمثیلی مقرر در ماده ۱۷ ق.م.ا به آسانی به جایگزین‌های کیفری حبس متوسل شد. وانگهی در سال‌های اخیر اقدامات نیز به صورت مستقل توسط سازمان زندان‌ها و قوه‌ی قضاییه برای جنبه‌ی تقنینی بخشیدن به کیفرهای اجتماعی و مجازات‌های جایگزین صورت گرفته است که از جمله می‌توان به لایحه‌ی مجازات‌های اجتماعی - که با خود نوآوری‌های بسیاری در پی داشت و هم‌اکنون در هیات دولت در دست بررسی و تقدیم به مجلس شورای اسلامی است اشاره کرد.

زندان‌زدایی از رهگذر جرم‌زدایی

همانطور که می‌دانیم یکی از راهکارهای زدایش زندان و کاهش جمعیت کیفری، جرم‌زدایی و عنوان‌زدایی از برخی قوانین مجرمانه است.

به همین منظور لایحه‌ای تحت عنوان لایحه‌ی جرم‌زدایی در کمیته‌ی جرم‌زدایی در شورای عالی توسعه‌ی قضایی قوه‌ی قضاییه تهیه شده است که در پی حذف بیش از ۳۰۰ عنوان مجرمانه‌ای است که مجازات حبس را در پی دارند.

زندان‌زدایی از رهگذر ساز و کارهای قانونگذارانه

با ایجاد قوانین نوین

■ سیاست کلی

الف) تعیین ظرفیت اسمی سالانه برای زندان‌های هر حوزه قضایی و ابلاغ آن به دادگستری: در بسیاری از کشورها برای هر ندامتگاه و موسسه‌ی کیفری ظرفیتی اسمی مطابق با استانداردها و ظرفیت پذیرش آن تعیین می‌شود و این ظرفیت به طور سالانه به دادگستری‌ها و وزارت دادگستری اعلام می‌شود و دادرسان به‌هیچ وجه نمی‌توانند بیش از ظرفیت اعلام‌شده، افراد را روانه‌ی

ندامتگاه‌ها و موسسه‌هایی که ظرفیت آنها تکمیل است سازند. با این همه هنوز در کشور ما مدیران زندان‌ها هیچ اختیاری در تعیین ظرفیت زندان‌ها و آمار ورودی‌ها و خروجی‌ها ندارند تا آنجا که از یک (انبارداری کیفری) می‌توان سخن به میان آورد از این روی در این نوشتار به عنوان یک سیاست کلی برای تصویب در مجمع تشخیص مصلحت نظام پیشنهاد تا تصویب شود.

(تعیین ظرفیت اسمی سالانه‌ی موسسه‌های کیفری و ندامتگاه‌ها به وسیله‌ی سازمان زندان‌ها و وزارت دادگستری و ابلاغ آن به قوه‌ی قضاییه و دادگستری‌ها)

ب) اخذ نظریه‌ی قوه‌ی قضاییه و سازمان زندان‌ها در جرم‌انگاری‌هایی که مجازات حبس را در پی دارند: می‌دانیم که افزون بر قوانین جزایی که قوه‌ی قضاییه آن را تهیه و تدوین می‌کند دستگاه‌های دیگری نیز چون وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی و سرانجام خود کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی با مجمع تشخیص مصلحت نظام به جرم‌انگاری‌هایی که مجازات حبس را در پی دارند، دست می‌یازند. بی‌آنکه جویا شوند که آیا سازمان زندان‌ها که پذیرنده‌ی متهمان و محکومان این جرم‌انگاری است ظرفیت پذیرش دارد یا خیر؟ به این علت لازم است که این مهم نیز به عنوان سیاستی کلی و به شرح زیر به تصویب مجمع تشخیص مصلحت برسد. (کسب نظر قوه‌ی قضاییه و سازمان زندان‌ها در جرم‌انگاری‌هایی که مجازات حبس را در پی دارد.)

■ قوانین موردنیاز برای زندان‌زدایی

بی‌گمان به منظور زندان‌زدایی و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها قوانین چندی به صورت قانون نامه، لایحه یا ماده واحده نیاز است لایحه‌ی قانونی پیشنهادی در همین جهت می‌باشد.

زندان‌زدایی از رهگذر اصلاح رویه‌ی قضایی

برای اصلاح رویه‌ی قضایی و به منظور زندان‌زدایی از دو شیوه می‌توان بهره جست.

● الف: اصلاح رویه‌ی قضایی به منظور زندان‌زدایی با ایجاد وحدت رویه‌ی قضایی در زمینه‌های زیر:

۱. آزادی مشروط و مشکلات ناشی از اختلاف در رویه‌ی قضایی - بدین منظور که به دنبال تفسیری باشیم که با زندان‌زدایی سازگار است از طرفی قاعده‌ی تفسیر قانون جزا به‌نفع متهم نیز این اقتضا را دارد که دادرسان پس از اعطای عفو، گذران نصف میزان عفو شده را ملاک قرار دهند نه نصف میزان مقرر در حکم را.

ب: پیشنهاد تهیه‌ی یک رای وحدت رویه در مورد استنباط‌های مختلف دادگاه‌ها از ماده‌ی ۱۷ ق.م.ا و تلاش برای تایید نظر دادرسانی که با توسل به موارد تمثیلی ماده ۱۷ به‌سادگی کیفرهای جایگزین حبس را به کار گرفته‌اند.

بخش دوم

زندان زدایی از رهگذر اقدام‌های درون‌سازمانی

این اقدام‌ها را به صورت زیر می‌توان آورد:

● ۱- اصلاح چارت سازمانی سازمان زندان‌ها به منظور هدفمند سازی امکانات و بسیج نیروها برای زندان‌زدایی: می‌دانیم که سازمان زندان‌ها سازمانی است که امکانات مادی و معنوی بسیاری حتی بعضاً در حد یک وزارتخانه در اختیار دارد بنابراین اگر به درستی برای هدف زندان‌زدایی این امکانات بسیج شوند بی‌گمان زندان‌زدایی جریان پرشتابی به خود خواهد گرفت که در این میان به برخی از اصلاحاتی که لازم است صورت گیرد اشاره می‌کنیم.

الف - تبدیل معاونت فرهنگی و تربیتی به معاونت بازپروری با تعیین شرح وظایف آن و ارزیابی عملکرد واحدهای آن. این پیشنهاد از آن روست که واژه‌های فرهنگی و تربیتی واژگانی مبهم و دو پهلو و نامفهوم هستند به همین منظور در جهت زندان‌زدایی که یک مولفه‌ی عمده‌ی آن ازدیاد خروجی‌ها و کاهش تکرار جرم است لازم است که بیش از هر چیز از نام این معاونت ابهام‌زدایی شود و پس از آن هدف و برنامه‌های آن تعیین و تعریف شده و هدف‌های عینی و اختصاصی آن مشخص و قابل ارزیابی باشد.

● ۲- از دیگر معضلات عظیم زندان‌ها وجود متهمان بی‌شمار تحت قراری است که، در اثر سو کارکرد دادگاه‌ها و دادسراها سرنوشتشان در زندان‌ها نامعلوم است و گاه حتی ماه‌ها و سال‌ها به فراموشی سپرده می‌شوند.

از این رو پیشنهاد می‌شود که زیر نظر معاونت قضایی سازمان زندان‌ها اداره‌ای به نام اداره‌ی زندان‌زدایی و حقوق شهروندان ایجاد شود به منظور پیگیری ۱- موارد نقض حقوق بشر در زندان‌ها و اعلام آن به مقامات ۲- تهیه‌ی کتابچه‌ای در مورد حقوق قانونی زندانیان و تفهیم ماهانه‌ی این حقوق به کلیه‌ی افراد ورودی به زندان‌ها ۳- همکاری مستمر و نظام‌مند با ستاد حقوق بشر قوه‌ی قضاییه ۴- مهمتر از همه پیگیری و مطالعه‌ی پرونده‌ی قضایی افراد تحت قرار و تذکر گذشت مدت قانونی که افراد بیش از آن نمی‌توانند به مناسبت انتساب بزه به فرد در زندان باشند به مقام‌های قضایی صلاحیتدار

● ۳- در اختیار قرار دادن بودجه‌هایی به صورت تن‌خواه در اختیار مددکاری زندان‌ها و ندامتگاه‌ها و موسسه‌های کیفری به منظور جلوگیری از ورود بزهکاران کم‌سال تا سقف ۵۰۰،۰۰۰ تومان

● ۴- تقویت مراکز بعد از خروج و توسعه‌ی آن مراکز در تمامی شهرستان‌هایی که در آنجا ندامتگاه یا موسسه‌ی کیفری دارد و نیز خصوصی‌سازی واحدهایی چون واحد اشتغال این مراکز به منظور کارآمدی مطلوب‌تر

● ۵- توسعه‌ی کابین‌های ارتباط تلفنی و دسترسی ساده مددجویان به تلفن‌ها به منظور تسهیل ارتباط با دنیای خارج از زندان و جلب رضایت شاکیان و یا کمک‌های مادی و معنوی خانواده یا بستگان

● ۶- ایجاد یک شبکه رادیویی به نام «رادیو زندان» با هدف رساندن پیام مددجویان به گوش جامعه و...

● ۷- ایجاد و احداث کانون‌های اصلاح و تربیت در شهرهای جرم‌خیز و پرزندان

● ۸- اصلاح پست و وضعیت مبهم شغلی مراقبان و تغییر نام آنان به مربی و آموزش آنان موافق با هدف‌های زندان‌زدایی

● ۹- زدایش نگاه‌های امنیتی و حفاظتی - اطلاعاتی به زندان زیرا زندان‌ها تحت نظارت دادگستری است و نه وزارت کشور

● ۱۰- تعیین و تفهیم طرح زندان‌زدایی به عنوان راهبرد سازمان در طرح ملی برای کارکنان و تنظیم و تعمیم مفاهیم آن با تهیه و تدوین و صدور بخش‌نامه‌های کاربردی و گره‌گشای مناسب

● ۱۱- بازنگری اساسی در آیین‌نامه‌ی اجرایی سازمان با هدف کارآمد ساختن آن به منظور زندان‌زدایی

● ۱۲- و مهمتر از همه برنامه‌ریزی برای ترویج، توسعه و ایجاد کار برای زندانیان به ویژه محکومان به حبس‌های طولانی‌مدت.

زندان‌زدایی از رهگذر آموزش کارکنان

و اجرای برنامه‌های آموزشی

الف - ارتقای جایگاه نهاد متولی آموزش سازمان در حد یک معاونت

ب - تهیه‌ی جزوه‌های کاربردی متناسب، به تناسب برای قضات و کارکنان زندان‌ها

ج - ایجاد زمینه‌ی آموزش کارکنان زندان‌ها و قضات با جلب همکاری و مشارکت قوه‌ی قضاییه و ترویج فرهنگ زندان‌زدایی در جامعه‌ی قضایی کشور با استفاده از رسانه‌های در اختیار سازمان چون روزنامه‌ی حمایت، ماهنامه‌ی اصلاح و تربیت و رادیو زندان پیشنهادی

زندان‌زدایی از رهگذر جلب مشارکت مددجویان

در اداره‌ی زندان‌ها

در این مورد به منظور زندان‌زدایی می‌توان امکانات مادی مددجویان داوطلب را برای اقداماتی چون تشکیل تعاونی‌های تولید و مصرف درون زندان، تشکیل انجمن‌های خیریه توسط خود مددجویان به منظور کمک به زندانیان کم‌بضاعت و کمک به خانواده‌های آنان